

چهل حدیث هادی

به مناسبت میلاد با سعادت امام علی النقی؛ حضرت هادی علیه السلام چهل حدیث از آن امام بزرگوار را مرور می کنیم.



به مناسبت میلاد با سعادت امام علی النقی؛ حضرت هادی علیه السلام چهل حدیث از آن امام بزرگوار را مرور می کنیم.

1. یگانگی خدا

لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَيْءَ مَعَهُ تَمَّ خَلْقَ الْأَشْيَاءِ بَدِيعًا وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ؛ 1
خداوند از ازل تنها بود و چیزی با او نبود. سپس اشیا را به صورت نو ظهور آفرید و برای خودش بهترین نامها را برگزید.

2. فروتنی

التواضع ان تعطى الناس ما تحب ان تعطاه؛ 2
فروتنی آن است که با مردم چنان رفتار کنی که دوست داری با تو چنان باشند.

3. نقد پذیری

بعض موالیه: عاتب فلانا و قل له ان الله اذا اراد بعث خيرا اذا عوتب قيل 3
امام هادی(ع) به یکی از دوستانش فرمود: فلانی را توبیخ کن و به او بگو: خداوند چون خیر بنده‌ای خواهد، هر گاه توبیخ شود، بپذیرد (و در صد جبران نقص برآید).

4. جایگاه اجابت دعا

ان لله بقاعا يحب ان يدعى فيها فيستجيب لمن دعاه و الحير منها؛ 4
همانا برای خداوند بقعه‌های است که دوست دارد در آنها به درگاه او دعا شود و دعای دعا کننده را به اجابت برساند، و حائر حسین(ع) یکی از آنهاست.

5. دنیا جایگاه آزمایش

ان الله جعل الدنيا دار بلوى و الآخرة دار عقبى، و جعل بلوى الدنيا لثواب الآخرة سببا و ثواب الآخرة من بلوى الدنيا عوضا 5
همانا که خداوند دنیا را سرای امتحان و آزمایش، و آخرت را سرای رسیدگی، و بلای دنیا را وسیله ثواب آخرت، و ثواب آخرت را عوض بلای دنیا قرار داده است.

6. ستمکار بردبار

ان الظالم الحالم يكاد ان يعصى عليه يحلم، و ان المحق السفیه يكاد ان يطفىء نور حقه بسفهه 6
به راستی ستمکار بردبار، بسا که به وسیله حلم و بردباری خود از ستمش گذشت شود و حق‌دار نابخرد، بسا که به سفاهت خود نور حق خویش را خاموش کند.

7. انسان بی شخصیت

من هانت عليه نفسه فلان من شره 7
کسی که خود را پس شمارد، از شر او در امان مباش.

8. حکمت ناپذیری دل فاسد

الحكمة لا تنجع في الطباع الفاسده 8
حکمت، اثری در دل‌های فاسد نمی‌گذارد.

9. خدا ترسی

من اتقى الله يتقى، و من اطاع لله يطاع، و من اطاع الخالق لم يبال سخط المخلوقين، و من اسخط الخالق فليبين ان يحل به سخط المخلوقين؛ 9
هر کسی از خدا بترسد، مردم از او بترسند، هر که خدا را اطاعت کند، از او اطاعت کنند، و هر که مطیع آفریدگار باشد، باقی از خشم آفریدگار ندارد، و هر که خالق را به خشم آورد، باید یقین کند که به خشم مخلوق دچار می‌شود.

10. اطاعت خیرخواه

من جمع لك وده و رايه فاجمع له طاعتك؛ 10
هر که دوستی و نظر نهایی‌اش را برای تو همه جانبه گرداند، طاعتت را برای او همه جانبه گردان.

11. اوصاف پروردگار

إِنَّ اللَّهَ لَا يُوصَفُ إِلَّا بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ وَ اتَى يُوصَفُ الَّذِي تَعَجِبُ الْخَوَاسُ أَنْ تُذْرَكَ وَالْأَوْهَامُ أَنْ تُتَالَهُ وَالْخَطَرَاتُ أَنْ تُحْدَهُ وَالْإِبْصَارُ عَنِ الْإِحَاطَةِ بِهِ تَأَى فِي قُرْبِهِ وَقُرْبُ فِي تَائِهِ، كَيْفَ الْكَيْفَ بَعِيرُ أَنْ يُقَالَ: كَيْفَ، وَ ابْنِ الْإِبْنِ بَلَا أَنْ يُقَالَ: ابْنِ هُوَ، مُتَقَطِعُ الْكَيْفِيهِ وَ الْإِبْنِيهِ الْوَاحِدُ الْإِحَادُ، جَلَّ جَلَالُهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ؛ 11

به راستی که خدا جز بدانچه خودش را وصف کرده است، وصف نشود. کجا وصف شود آن که حواس از درکش عاجز است، و تصورات به کنه او پی نبرند، و در دیده‌ها ننگند، او با همه نزدیکی‌اش دور است و با همه دوری‌اش نزدیک، کیفیت و چگونگی را پدید آورده، بدون اینکه خود کیفیت و چگونگی داشته باشد. مکان را آفریده، بدون این که خود مکانی داشته باشد. او از چگونگی و مکان برکنار است، یکتای یکتاست، شکوهش بزرگ و نام‌هایش پاکیزه است.

12. رذایل اخلاقی

الْحَسَدُ مَاحِقُ الْحَسَنَاتِ، وَ الرَّهْوُ جَالِبُ الْمَقْتِ، وَالْعُجْبُ صَارْفُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ دَاعٍ إِلَى الْعَمَطِ وَ الْجَهْلِ، وَ الْبُخْلُ أَدْمُ الْأَخْلَاقِ وَ الطَّمَعُ سَجِيهٌ سَبِيهَةٌ؛ 12

حسد نیکویی‌ها را نابود سازد، و فخر فروشی دشمنی آورد، و خودپسندی مانع از طلب دانش است و به سوی خواری و جهل فرامی‌خواند، و بخل ناپسندیده‌ترین خلق و خوی است، و طمع خصلتی ناروا و ناشایست است.

13. خدا، آری. روزگار، نه.

روزی یکی از یاران امام هادی(ع) که بر اثر تصادف با حیوانی صدمه دیده بود، بر آن حضرت وارد شد و با اشاره به زخم‌هایی که برداشته بود، به روزگار بد می‌گفت. آن حضرت، خطاب به او سخنی به این مضمون فرمودند: روزگار را ملامت نکن؛ زیرا همه حوادث عالم به دست خداوند است و روزگار هیچ نقشی در پیدایش امور ندارد و غیر خداوند به گونه مستقل در زندگی مردم مؤثر نیستند و نیز فرمودند: «لا تَلْتَعِدْ وَ لا تَجْتَعِلْ لِلْأَيَّامِ صِنْعًا فِي حَكْمِ اللَّهِ؛ یعنی برای روزگار اثر و نقشی در حکم خداوند، به حساب نیاور و قرار مده. «

آن شخص با شنیدن سخنان امام؟، به واقعیت امر، آگاه شد و توبه کرد. 13

14. نتیجه بی‌اعتنایی به مکر خدا

مَنْ آمَنَ مَكْرَ اللَّهِ وَ الْيَمِّ اخَذَهُ، تَكَبَّرَ حَتَّى يَحِلَّ بِهِ قِضَاؤُهُ وَ نَافَذَ أَمْرَهُ، وَ مَنْ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَهَةٍ هَاتَتْ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ لَوْ قَرَضَ وَ تُشِرُّ؛ 14

هر که از مکر خدا و مؤاخذه دردناکش آسوده باشد، تکبر پیشه کند تا قضای خدا و امر نافذش او را فراگیرد، و هر که بر طریق خدا پرستی محکم و استوار باشد، مصائب دنیا بر وی سبک آید؛ اگر چه (بدنش) قیچی شود و ریز ریز گردد.

15. تقیه

لَوْ قَلْتُ إِنَّ تَارَكَ التَّقِيَةَ كِتَارَكَ الصَّلَاةَ لَكُنْتُ صَادِقًا؛ 15

اگر بگویم: هر کس تقیه را ترک کند، مانند کسی است که نماز را ترک کرده، هر اینه راست گفته‌ام.

16. شکرگزار و شکر

الشَّاكِرُ اسْعَدَ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنِّعْمَةِ الَّتِي أُوجِبَتِ الشُّكْرُ لِأَنَّ النِّعْمَ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرَ نِعْمٌ وَ عَقْبَى؛ 16

شخص شکرگزار به سبب شکر، سعادت‌مندتر است تا به سبب نعمتی که باعث شکر شده است؛ زیرا نعمت کالای دنیاست و شکرگزاری، نعمت دنیا و آخرت است.

17. دنیا جایگاه سود و زیان

الدُّنْيَا سُوقٌ رِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ حَسِيرٌ آخِرُونَ؛ 17

دنیا بازاری است که گروهی در آن سود برند و دسته‌ای زیان ببینند.

18. پرهیز از تملق

قَالَ ابُو الْحَسَنِ الثَّلَاثُ (ع) لِرَجُلٍ وَ قَدْ أَكْثَرَ مِنْ إِفْرَاطِ التَّائِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ أَقْبَلُ عَلَى شَأْنِكَ، فَإِنَّ كَثْرَةَ التَّمْلِقِ يَهْجُمُ عَلَى الظُّنِّهِ وَ إِذَا حَلَّتْ مِنْ أَحْيَاكَ فِي مَحَلِّ التَّقْوَى، فَاعْدِلْ عَنِ التَّمْلِقِ إِلَى حُسْنِ النَّيِّهِ؛ 18

امام هادی(ع) به کسی که در ستایش از ایشان افراط کرده بود، فرمودند: از این کار خودداری کن؛ زیرا تملق بسیار، بدگمانی به بار می‌آورد هنگامی که در نزد برادر مؤمنان مورد اعتماد و وثوق هستی، از تملق او دست بردار و حسن نیت نشان بده.

19. جایگاه حسن ظن و سوءظن

إِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ اعْتَلَبَ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ تَطْنَ بِأَحَدٍ سُوءًا حَتَّى يَعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ، وَ إِذَا كَانَ زَمَانُ الْجَوْرِ اعْتَلَبَ فِيهِ مِنَ الْعَدْلِ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَطْنَ بِأَحَدٍ خَيْرًا مَالِمَ يَعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ؛ 19

هر گاه در زمانه‌ای عدل بیش از ظلم رایج باشد، بدگمانی به دیگری حرام است، مگر آنکه (آدمی) بدی از کسی ببیند. و هر گاه در زمانی ظلم بیش از عدل باشد، نباید به کسی خوش‌بین باشد، مگر اینکه به نیکی او یقین کند.

20. زیباتر از زیبایی

حَبِيبٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ اجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ فَاذِلُّهُ، وَ ارْجَحُ مِنَ الْعِلْمِ حَامِلُهُ، وَ شَرُّ مِنَ الشَّرِّ جَالِيَهُ، وَ اَهْوَلُ مِنَ الْهَوْلِ رَاكِبُهُ؛²⁰
بهتر از نیکی، نیکوکاری است، و زیباتر از زیبایی، گوینده آن است، و برتر از علم، حامل آن است، و بدتر از بدی، عامل آن است، و وحشتناکتر از وحشت، آورنده آن است.

21. توقع بی‌جا

لَا تَطْلُبُ الصَّفَا مِثْنَ كَدْرَتِ عَلَيْهِ، وَلَا الْوَفَاءَ لِمَنْ عَدَرْتَ بِهِ، وَلَا النَّصْحَ مِمَّنْ صَرَفْتَ سُوءَ ظَنِّكَ إِلَيْهِ، فَاتَّهَا قَلْبُ غَيْرِكَ كَقَلْبِكَ لَهُ؛²¹
از کسی که بر او خشم گرفته‌ای، صفا و صمیمیت نخواه، و از کسی که به وی خیانت کرده‌ای، وفا طلب نکن، و از کسی که به او بدبین شده‌ای، انتظار خیرخواهی نداشته باش که دل دیگران برای تو همچون دل تو برای آنهاست.

22. برداشت خوب از نعمت‌ها

الْتَمُوا التَّعَمُّ بِحُسْنِ مُجَاوَرَتِهَا وَ التَّمَسُّوْا الزِّيَادَةَ فِيهَا بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا، وَ اعْلَمُوا أَنَّ التَّقَسُّ اِقْبَلُ شَيْءٍ لِمَا اَعْطَيْتَ وَ اَمْتَعِ شَيْءٍ لِمَا مُيِّعْتَ؛²²
نعمت‌ها را با برداشت خوب از آنها به دیگران ارائه دهید و با شکرگزاری افزون کنید، و بدانید که نفس آدمی روآورنده‌ترین چیز است به آنچه به آن بدهی، و باز دارنده‌ترین چیز است، از آنچه آن را بازداري.

23. خشم بر زبردستان

الْقَضَبُ عَلَى مَنْ تَمَلَّكَ لَوْمَةٌ؛²³
خشم به زبردستان از پستی است.

24. عاق والدین

الْعُقُوقُ كُلُّ مَنْ لَمْ يَتَّكَل؛²⁴
نافرمانی (فرزند از پدر و مادر) مصیبت مصیبت نادیدگان است.

25. تأثیر صله رحم در طول عمر

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَيَكُونُ وُضُولًا لِقَرَابَتِهِ وَ وُضُولًا لِرَحِمِهِ، فَيَجْعَلُهَا اللَّهُ ثَلَاثَةً وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً، وَ إِنَّهُ لَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ أَجْلِ ثَلَاثٍ وَ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَيَكُونُ عَاقًا لِقَرَابَتِهِ قَاطِعًا لِرَحِمِهِ، فَيَجْعَلُهَا اللَّهُ ثَلَاثَ سِنِينَ؛²⁵
چه بسا شخصی که مدت عمرش سی سال مقدر شده باشد، اما به خاطر صله رحم و پیوند با خویشاوندانش، خداوند عمرش را به 33 سال برساند، و چه بسا کسی که مدت عمرش 33 سال مقدر شده باشد، ولی به سبب آرزیدن خویشاوندان و قطع رحمش، خداوند عمرش را به سه سال برساند.

نتیجه عاق والدین

الْعُقُوقُ يَعْقِبُ الْقَلَّةَ إِلَى الدَّيْهِ؛²⁶
نارضایتی پدر و مادر، کمی روزی را به دنبال دارد و آدمی را به ذلت می‌کشانند.

27. بی‌طاقتی در مصیبت

الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلجَّارِعِ اِثْنَتَانِ؛²⁷
مصیبت برای صابر یکی است و برای کسی که بی‌طاقتی می‌کند، دو تا است.

28. همراهان دنیا و آخرت

إِن تَأَسَّ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَ فِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ؛²⁸
میزان ارزیابی مردم در دنیا با اموالشان و در آخرت با اعمالشان است.

29. شوخی بیهوده

الْهَزْلُ فَكَاهَةُ السُّقْمَاءِ وَ صِنَاعَةُ الْجُهَالِ؛²⁹
مسخرگی، تفریح سفیهان و هنر جاهلان است.

30. زمان جان دادن

أَكْزَرَ مَضْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيْ أَهْلِكَ وَ لَا طَيِّبٌ يَمْتَعَكَ وَ لَا حَبِيبٌ يَتَّقَعَكَ؛³⁰
وقت جان دادنت را نزد خانواده‌ات یاد کن که در آن هنگام طبیعی نیست که جلوی مرگت را بگیرد و نه دوستی که به تو نفع رساند.

31. نتیجه جدال

الْمَرَأُ يَقْسِدُ الصَّدَاقَةَ الْقَدِيمَةَ وَ يَحِلُّ الْعُقْدَةَ الْوَتِيقَةَ وَ اَقْلُ مَا فِيهِ أَنْ تَكُونَ فِيهَا الْمُغَالِبَةُ وَ الْمُغَالِبَةُ أَسْبَابُ الْقَطِيعَةِ؛³¹
جدال، دوستی قدیمی را تباه می‌کند و پیوند اعتماد را می‌گشاید و کمترین چیزی که در آن است، غلبه بر دیگری است که آن هم سبب جدایی است.

32. درک لذت در کاستی

السَّهْوُ إِذْ لِمَتَامِ وَ الْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيِّبِ الطَّعَامِ؛ 32
شب بیداری، خواب را لذت بخش‌تر، و گرسنگی گوارایی غذا را زیاد می‌کند.

33. اسیر زبان

رَاكِبُ الْخَرُونِ اَسِيرٌ نَفْسِهِ، وَ الْجَاهِلُ اَسِيرٌ لِسَانِهِ؛ 33
کسی که بر اسب سرکش سوار است، اسیر هوای نفس خویش و نادان اسیر زبان خوش است.

34. تصمیم قاطع

اَذْكُرْ حَسْرَاتِ التَّقْرِيطِ بِاِخْتِامِ التَّقْرِيطِ؛ 34
افسوس خوردن کوتاهی در انجام دادن کار را، با تصمیم‌گیری قاطع جبران کن.

35. خشم و کینه‌توزی

الْعِتَابُ مِقْتَاخُ التَّقَالِ وَ الْعِتَابُ خَيْرٌ مِنَ الْحَقْدِ؛ 35
سرزنش و تندی کلید کم مهری است، و سرزنش بهتر از کینه‌توزی است.

36. ظهور مقدرات

المقَادِيرُ تُرِيكُ مَا لَمْ يَخْطُرْ بِبَالِكِ؛ 36
مقدرات چیزهایی را بر تو نمایان می‌سازد که به فکر تو خطور نکرده است.

37. خودخواهان مغضوب

مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُونَ عَلَيْهِ؛ 37
هر که از خود راضی باشد، خشم‌گیران بر او زیاد خواهند بود.

38. تباهی فقر

الْفَقْرُ شِرَّةُ النَّفْسِ وَ شِدَّةُ الْقُتُوبِ؛ 38
فقر مایه آزمندی نفس و سبب ناامیدی زیاد است.

39. راه پرستش

لَوْ سَلَكَ النَّاسُ وَادِيًا وَسَبِيحًا لَسَلَكَتْ وَادِي رَجُلٍ عَبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ خَالصًا؛ 39
اگر مردم به راه‌های گوناگون روند، من به راه کسی که تنها خدا را خالصانه می‌پرستد، خواهم رفت.

40. آشکار نکردن برنامه‌ها

اِظْهَارُ الشَّيْءِ قَبْلَ اَنْ يَسْتَحْكَمَ مُقْسِدَةٌ لَهُ؛ 40
آشکار کردن هر کاری پیش از آنکه به سامان برسد، آفت آن کار است.

منابع:

[۱] . بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۸۳.

[۲] . الکافی، ج ۲، ص ۲۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۷۳، ج ۲۰۴۹۷.

[۳] . وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۸؛ مستدرک، ج ۴، ص ۴۷۴، ج ۹۵۷۷.

[۴] . بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۱۳.

[۵] . همان، ج ۷۵، ص ۳۶۵.

[۶] . تحف العقول، ص ۲۹۸.

[۷] . بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۰۰.

[۸] . همان، ج ۷۵، ص ۳۷۰.

[۹] . بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۸۲.

[۱۰] . همان، ج ۷۵، ص ۳۶۵؛ تحف العقول، ص ۴۸۳.

[۱۱] . بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۰۳، باب ۴.

- [۱۲] همان، ج ۶۹، ص ۱۹۹.
- [۱۳] . وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۵۰۹؛ بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۳.
- [۱۴] . تحف العقول، ص ۴۸۳.
- [۱۵] . وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۱۱.
- [۱۶] . بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۱۷.
- [۱۷] . همان، ج ۷۵، ص ۳۶۶.
- [۱۸] . همان، ج ۷۰، ص ۲۹۵.
- [۱۹] . همان، ج ۷۵، ص ۳۷۰، باب ۲۸.
- [۲۰] . همان.
- [۲۱] . همان.
- [۲۲] . همان، ج ۷۵، ص ۳۷۰، باب ۲۸.
- [۲۳] . همان.
- [۲۴] . مستدرک، ج ۱۵، ص ۱۹۴؛ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۹، باب ۲۸.
- [۲۵] . بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۳.
- [۲۶] . همان، ج ۷۵، ص ۳۱۸، باب ۲۸.
- [۲۷] . مستدرک، ج ۲، ص ۴۴۵؛ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۸، باب ۲۸.
- [۲۸] . بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۸.
- [۲۹] . همان، ص ۳۶۹.
- [۳۰] . همان، ص ۳۷۰.
- [۳۱] . همان، ص ۳۶۹.
- [۳۲] . همان، ص ۳۷۹.
- [۳۳] . همان، ص ۳۶۹.
- [۳۴] . همان، ص ۳۷۰.
- [۳۵] . همان، ص ۳۶۹.
- [۳۶] . همان، ص ۳۷۹؛ اعلام الدین، ص ۳۱۱.
- [۳۷] . بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۸.
- [۳۸] . همان، ص ۳۶۸.
- [۳۹] . همان، ج ۶۷، ص ۱۱۲.
- [۴۰] . تحف العقول، ص ۴۵۷.